

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وحدت حوزه و دانشگاه

ویراست جدید

علیرضا اعرافی



وحدت حوزه و دانشگاه

(ویراست جدید)

علیرضا اعرافی

تحقیق و نگارش: علی بخشی

ناشر: انتشارات موسسه فرهنگی
اشراق و عرفان • امور هنری:
حسن مختاری • نوبت و تاریخ
چاپ: دوم، پاییز ۱۳۹۸
• لیتوگرافی، چاپ و صحافی:
سازمان چاپ اسراء • شمارگان:
۱۰۰۰ نسخه • قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای موسسه
اشراق و عرفان محفوظ است.

ایران، قم، خیابان معلم، کوچه هشت، کوچه
شهمید محقق، پلاک پنجاه و نه
صندوق پستی: ۴۴۴۵ - ۳۷۱۸۵

تلفن: ۰۲۵ + ۳۷۷۴۸۵۴۰
نمابر: ۰۲۵ + ۳۷۷۴۸۵۴۱

www.eshragh-erfan.com
info@eshragh-erfan.com

ISBN: 978-600-91620-9-3

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱۵

مقدمه..... ۱۷

بخش اول: حوزه

فصل اول: تعریف و تاریخ تطور حوزه‌های علمیه..... ۲۳

۱. مدینه الرسول، هسته اولیه حوزه..... ۲۵

۲. حوزه بغداد..... ۲۷

۳. حوزه نجف..... ۳۰

۴. حوزه حله..... ۳۱

۵. حوزه جبل عامل..... ۳۲

۶. حوزه کربلا..... ۳۳

۷. حوزه سامرا..... ۳۴

۸. حوزه اصفهان و شیراز..... ۳۵

۹. حوزه ری..... ۳۶

۱۰. حوزه تهران..... ۳۷

۱۱. حوزه قم..... ۳۹

۱۲. سایر حوزه‌ها..... ۴۲

- فصل دوم: رسالت و وظایف حوزه..... ۴۳
۱. اجتهاد، تفقه در دین و خودسازی..... ۴۴
 ۲. تبلیغ، ترویج و تربیت دینی..... ۴۴
 ۳. جاری کردن دین در عرصه‌های زندگی..... ۴۴
- فصل سوم: مزیت‌های تاریخی حوزه‌های شیعه..... ۴۶
۱. سنت‌های آموزشی..... ۴۶
 - (۱) پیش‌مطالعه و پیش‌مباحثه..... ۴۷
 - (۲) مباحثه..... ۴۸
 - (۳) درس فعال و آزادی پرسش..... ۴۹
 - (۴) هم‌زمانی تحصیل با تدریس..... ۴۹
 - (۵) درس خارج و تعلیقه و تقریرنویسی..... ۵۰
 - (۶) دقت، تعمق و متن‌محوری..... ۵۳
 - (۷) شناور بودن نظام آموزشی و آزادی کامل در انتخاب استاد و درس..... ۵۳
 - (۸) عبادت‌شمردن تعلیم و تعلم و نگاه الهی به آن..... ۵۳
 - (۹) سادگی محیط آموزشی و زهد و قناعت در زندگی استادان و طلاب..... ۵۴
 - (۱۰) حاکمیت صفا، صمیمیت و اخلاص..... ۵۴
 - (۱۱) سنت مناظره علمی..... ۵۵
 ۲. سنت‌های اخلاقی و تربیتی حوزه..... ۵۵
 - (۱) وجود آنگوهای معنوی در حوزه‌های علمیه..... ۵۵
 - (۲) احترام به استاد و رابطه صمیمی و اخلاقی استاد و شاگرد..... ۵۶
 ۳. پژوهشی تولید علم و آفرینش مکاتب مهم علمی و فکری..... ۵۶
 ۴. ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی..... ۵۷
 - (۱) انعطاف در برابر انواع تفکرها در درون حوزه..... ۵۷
 - (۲) تیزبینی و ظرافت در تعامل با دولت‌ها..... ۵۸
 - (۳) حفظ استقلال از حکومت‌ها..... ۵۸
 - (۴) مقاومت و استواری حوزه‌ها در برابر حوادث..... ۶۰
 - (۵) روحیه مردمی و حضور اجتماعی علمای دینی..... ۶۰
 - (۶) تأثیر بر نهضت‌ها و نهضت‌آفرینی و تحول‌های تاریخی جهان اسلام..... ۶۱
 ۵. تاریخی..... ۶۱
 - (۱) پیوستگی تاریخی در عین انتقال و پراکندگی جغرافیایی با حفظ هویت..... ۶۱
 - (۲) نقش مثبت حوزه‌ها در رشد تمدن اسلامی..... ۶۲
 - (۳) مهاجرت سازنده علما در جابه‌جایی حوزه‌ها برای پویایی و بالندگی..... ۶۳
 - (۴) فراملیتی بودن حوزه‌ها..... ۶۵

۶۶	فصل چهارم: مزیت‌های حوزه در دوره معاصر.....
۶۶	۱. گسترش آموزشی از لحاظ تنوع و تکثر رشته‌ها.....
۶۸	۲. گسترش پژوهشی.....
۷۱	۳. گسترش پشتیبانی‌ها و تجهیزات.....
۷۱	۴. گسترش منابع انسانی.....
۷۲	۵. گسترش نهادی و مدیریتی.....
۷۳	۶. گسترش جغرافیایی.....
۷۳	۷. گسترش نقش تبلیغی و حضور اجتماعی و سیاسی حوزه.....
۷۴	فصل پنجم: آسیب‌شناسی حوزه معاصر.....
۷۴	۱. ضعف بنیه‌های اصولی، فلسفی و روشی در پژوهش‌های جدید و در علوم انسانی.....
۷۶	۲. حضور منفعل در رویارویی با شبهه‌ها.....
۷۸	۳. جدایی حوزه‌های سنتی از موضوع‌های جدید (کلام‌ها و فقه‌های نو).....
۷۸	۴. جدایی نسبی از نیازها و نیازسنجی‌ها.....
۷۹	۵. علم اصول؛ تنها ناظر به فقه.....
۸۱	۶. گُندی تولید علم.....
۸۲	۷. نبود تحقیق‌های میدانی.....
۸۳	۸. نبود نظام اطلاع‌رسانی بروز و بانک‌های اطلاعاتی جامع.....
۸۶	۹. ضعف تحوّل در نظام آموزشی و تبلیغی و عدم اهتمام کافی به پژوهش.....
۸۶	۱) نظام آموزشی.....
۸۷	۲) نظام تبلیغی.....
۸۷	۳) نظام پژوهشی.....
۸۸	۱۰. عدم کارکرد و تولید محصول فکری و علمی در عرصه بین‌الملل.....
۹۲	۱۱. عدم حمایت اصولی از نخبگان.....
۹۲	۱۲. گسترش نیافتن پژوهش در علم اصول به مباحث جدید.....
۹۴	۱۳. عدم سرمایه‌گذاری کلان.....
۹۵	۱۴. ضعف در تدوین متون درسی.....
۹۷	۱۵. فقدان نقشه جامع و هماهنگی نهادها.....
۹۸	۱۶. خطر استحاله حوزه.....
۹۹	۱۷. خطر مدرک‌گرایی.....
۱۰۰	۱۸. کاهش عمق علمی.....

فصل ششم: حوزه و راه‌های برون‌رفت از آسیب‌ها	۱۰۱
۱. مدیریت تحول	۱۰۱
۲. نقشه جامع	۱۰۲
۳. تقویت انگیزه‌ها و بنیان‌های اخلاقی	۱۰۲
۴. استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید و پیشرفته	۱۰۳
۵. تدوین متون متناسب و تولید آثار	۱۰۳
۶. بازسازی و گسترش علوم روش‌شناختی و علم اصول	۱۰۴
۷. گسترش تخصص‌ها و رشته‌ها بر اساس نیازها	۱۰۴
۸. بازسازی نظام تبلیغی	۱۰۵
۹. صیانت از ارزش‌ها و سنت‌های حوزه با بهره‌گیری از تجربه‌های جدید	۱۰۵
۱۰. رصد جریان‌های رقیب و پرسش‌ها و نیازهای نو	۱۰۶
۱۱. رویکرد جامع و متوازن به علوم و معارف اسلامی	۱۰۷
۱۲. رویکرد تمدنی و نظام‌سازی در تحقیقات و برنامه‌ها	۱۰۷
۱۳. تقویت رویکرد بین‌المللی	۱۰۷

بخش دوم: دانشگاه

فصل اول: تعریف، پیشینه و عناصر دانشگاه	۱۱۱
۱. تعریف دانشگاه	۱۱۱
۲. پیشینه دانشگاه در ایران	۱۱۲
۳. عناصر و ارکان دانشگاه	۱۱۶
(۱) ساختار فیزیکی دانشگاه	۱۱۶
(۲) ساختار اداری و مدیریتی دانشگاه	۱۱۷
(۳) استادان	۱۱۹
(۴) دانشجویان	۱۲۱
(۵) محتوای آموزشی	۱۲۳
(۶) نظام آموزشی، پژوهشی و فرهنگی	۱۲۳
فصل دوم: رسالت و وظایف دانشگاه‌ها در ایران	۱۲۵
۱. تربیت نیروی متخصص و متعهد	۱۲۵
۲. تحقیق و تولید علم	۱۲۷
۳. تمدن‌سازی	۱۲۸

۱۲۹	۴. قدرت نقد اندیشه‌ها و آشنایی با نیازها و مسائل بومی.....
۱۳۱	فصل سوم: مزیت‌های نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه.
۱۳۱	۱. تکنولوژی آموزشی.....
۱۳۲	۲. نظام برنامه‌ریزی.....
۱۳۲	۳. جامعیت نسبت به علوم مختلف.....
۱۳۲	۴. پاسخگویی به نیازهای اجتماعی.....
۱۳۳	۵. ارائه و فراگیری سهل و سریع مطالب.....
۱۳۴	فصل چهارم: آسیب‌شناسی دانشگاه.
۱۳۵	۱. گسست از هویت و فرهنگ ایرانی اسلامی.....
۱۳۵	۲. عدم سازگاری محتوای آموزشی با ساختار شغلی و نیازهای جامعه.....
۱۳۶	۳. عدم ارتباط سازمان‌یافته دانشگاه‌ها با صنعت.....
۱۳۶	۴. مهاجرت نخبگان و فرار مغزها.....
۱۳۸	۵. مدرک‌گرایی.....
۱۳۸	۶. فقدان رابطه مناسب با حوزه.....
۱۳۹	۷. مشکلات معیشتی استادان و جامعه دانشگاهی.....
۱۳۹	۸. انفعال در برابر دانش‌های غربی.....
۱۴۰	۹. کمیت‌گرایی به جای کیفیت‌گرایی.....
۱۴۲	۱۰. ضعف پایه‌های اخلاقی و تربیتی.....
۱۴۳	۱۱. عدم بودجه کافی و حمایت اصولی از پژوهشگران.....
۱۴۴	۱۲. ضعف پایان‌نامه‌نویسی.....
۱۴۵	۱۳. رابطه‌گرایی و سیاست‌زدگی.....
۱۴۶	فصل پنجم: اسلامی کردن دانشگاه‌ها.
۱۴۸	۱. تاریخچه اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران.....
۱۵۱	۲. موانع تحقق اسلامی کردن دانشگاه‌ها.....
۱۵۲	(۱) ضعف در کادرسازی و تربیت استادان مولد و متعهد.....
۱۵۳	(۲) افراط و تفریط در قلمرو آزادی.....
۱۵۳	(۳) شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت‌ها.....
۱۵۴	(۴) تطبیق و قرینه‌سازی غیرواقع‌بینانه بین اسلام و مسیحیت.....
۱۵۴	(۵) خلأ تدوین کتب دانشگاهی با صبغه اسلامی.....

- ۱۵۵ برداشت سطحی و عدم تعریف مناسب از اسلامی کردن دانشگاه‌ها
- ۱۵۸ فصل ششم: الگو و شاخص‌های دانشگاه اسلامی
- ۱۵۸ ۱. پایه‌ریزی بستر معرفتی فلسفی اسلامی
- ۱۵۹ ۲. تبیین معارف و نظریه‌های اسلام در علوم
- ۱۵۹ ۳. ایجاد فضای معنوی، اخلاقی و علمی
- ۱۶۰ ۴. تعامل مستمر و سازنده با حوزه

بخش سوم: مواجهه حوزه و دانشگاه

- ۱۶۳ فصل اول: علوم انسانی محور مواجهه
- ۱۶۳ ۱. مفاهیم محوری
- ۱۶۳ (۱) علم
- ۱۶۵ (۲) علوم انسانی
- ۱۶۷ ۲. اهمیت علوم انسانی و اجتماعی در غرب
- ۱۶۷ ۳. جایگاه علوم انسانی در ایران
- ۱۶۹ فصل دوم: تبارشناسی مواجهه
- ۱۶۹ ۱. نگاه اجمالی به روند تعارض علم و دین
- ۱۷۲ ۲. نقش تجربه‌گرایان در دامن‌زدن به تعارض
- ۱۷۳ ۳. صحنه‌هایی از تعارض علم و دین
- ۱۷۶ فصل سوم: امکان‌سنجی ارتباط بین علوم انسانی و معرفت دینی
- ۱۷۶ ۱. دیدگاه تباین
- ۱۷۷ ۲. دیدگاه تساوی و همپوشی کامل
- ۱۷۸ ۳. عموم و خصوص مطلق (عموم از سوی معرفت دینی)
- ۱۷۸ ۴. نسبت عموم و خصوص مطلق (عموم از سوی علوم انسانی)
- ۱۷۹ ۵. عموم و خصوص من‌وجه (داشتن ساحت‌های مشترک)
- ۱۸۳ فصل چهارم: تعاملات علوم انسانی و دین
- ۱۸۵ ۱. تأثیر علوم انسانی در دین و علوم اسلامی
- ۱۸۵ (۱) موضوع‌آفرینی
- ۱۸۶ (۲) تشخیص موضوع

۱۸۷	۳) اعطای روش‌ها و شیوه‌سازی برای تحقق معارف دینی.....
۱۸۸	۴) مفهوم‌پردازی و ابزاردهی برای فهم و گسترش علوم اسلامی.....
۱۸۸	۵) تأیید گزاره‌های دینی.....
۱۸۹	۶) تأثیر گسترش علوم انسانی و اجتماعی در طبقه‌بندی و گسترش علوم اسلامی.....
۱۸۹	۷) پُر کردن منطقه‌الفراغ.....
۱۹۱	۲) تأثیر دین بر علوم انسانی.....
۱۹۱	۱. موضوع‌سازی.....
۱۹۲	۲. تغییر پارادایم‌ها و پیش‌فرض‌ها.....
۱۹۶	۳) جهت‌دادن به علم در مقام کاربرد، در راستای اهداف دینی.....
۱۹۶	۴) نقد آرا و ارزیابی مکاتب.....
۱۹۷	۵) فلسفه علم، فلسفه علوم انسانی و فلسفه‌های مضاف.....
۱۹۷	۶) استخراج گزاره‌ها و سیستم‌ها.....
۱۹۸	۷) مقایسه و حلّ گزاره‌ها.....
۱۹۹	۸) تطبیق‌سازی با معارف دین.....
۱۹۹	۹) نیاز به جهان‌بینی و انسان‌شناسی دینی.....

فصل پنجم: رویکردها به علوم انسانی دینی یا علم اسلامی..... ۲۰۱

۲۰۱	۱) معنای علم اسلامی.....
۲۰۴	۲) اهم رویکردها و نظریه‌ها درباره علم اسلامی.....
۲۰۴	۱) مبتنی‌بودن علوم بر مبانی و مفاهیم دینی.....
۲۰۵	۲) هویت‌بخشی اسلامی به علم از طریق اهداف و غایات علم.....
۲۰۵	۳) جهت‌دهی علم به سمت کاربردهای اسلامی و دینی.....
۲۰۵	۴) در مرتبه موضوع به لحاظ اخذ موضوع از دین.....
۲۰۶	۵) تلفیق روش وحیانی و تجربی.....
۲۰۶	۶) تطبیق علم با دین در قلمروهای مشترک.....
۲۰۷	۷) علم ناظر به مشکلات مؤمنان و متدینان.....
۲۰۷	۸) پذیرش و معتبر بودن روش تجربی از سوی دین.....
۲۰۷	۹) موضوع بررسی علم؛ جامعه یا فرد معتقد و متأثر از آموزه‌های دینی.....
۲۰۸	۱۰) متدین‌بودن مؤسسان و دانشمندان آن علم.....
۲۰۸	۳) تأملاتی در رویکردها.....

بخش چهارم: وحدت یا جدایی؟

- فصل اول: تعریف، ضرورت و اهداف وحدت حوزه و دانشگاه..... ۲۱۷
۱. تعریف وحدت حوزه و دانشگاه..... ۲۱۷
- (۱) تعریف حداکثری ۲۱۷
- (۲) تعریف حداقلی ۲۱۹
- (۳) تعریف مناسب و کارآمد (وحدت آرمانی) ۲۲۰
۲. ضرورت وحدت حوزه و دانشگاه..... ۲۲۱
- (۱) وحدت حوزه و دانشگاه؛ حق مسلم جامعه ۲۲۲
- (۲) انسجام اجتماعی؛ برآمده از وحدت نخبگان ۲۲۳
- (۳) گسست نخبگان؛ تعارض روانی جامعه ۲۲۴
- (۴) گسست نخبگان؛ راه نفوذ و تسلط دشمنان..... ۲۲۶
۳. اهداف وحدت حوزه و دانشگاه..... ۲۲۷
- (۱) احیا و ایجاد تمدن اسلامی ۲۲۷
- (۲) گسترش مرزهای دانش برای تحقق الگوی اسلامی ایرانی ۲۲۹
- (۳) حاکمیت روح اسلامی و اخلاق دینی بر فضای علمی و دانشگاهی ۲۳۱
- (۴) تحقق مبانی و اهداف نظام اسلامی..... ۲۳۱
- (۵) سازگاری حوزه با نیازها و روش‌های عصری ۲۳۱
- (۶) ایجاد دانشگاه اسلامی..... ۲۳۳
- فصل دوم: آسیب‌شناسی وحدت..... ۲۳۵
۱. ایستایی و جمود در سطوح ظاهری..... ۲۳۵
۲. وجود منازعه‌های سیاسی و جناحی..... ۲۳۷
۳. گسترش کمی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه..... ۲۳۷
۴. جهانی‌سازی و جهانی‌شدن..... ۲۳۷
۵. وجود گرایش‌های گوناگون در دانشگاه و حوزه ۲۳۸
۶. تحولات دین‌شناسی در غرب..... ۲۳۸
۷. مطالبات و پرسش‌های جدید جامعه با تشکیل حکومت دینی..... ۲۳۹
۸. بی‌اعتنایی به اخلاق همگرایی..... ۲۴۰
- فصل سوم: راهبردها و راهکارهای وحدت..... ۲۴۱
۱. ایجاد فضای سالم گفت‌وگو و تعامل..... ۲۴۲
۲. کنارت نهادن تعصب و رعایت اخلاق علمی..... ۲۴۴

۲۴۴	۳. داشتن دغدغه، برنامه و هدف مشترك.....
۲۴۵	۴. زبان مشترك.....
۲۴۶	۵. زدودن تصور نادرست از وحدت.....
۲۴۸	۶. اعتقاد به تأثیر متقابل.....
۲۴۸	۷. آشنایی با نوآوری و پیشرفت‌های یکدیگر.....
۲۵۰	۸. اهتمام به جنبش نرم‌افزاری و ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی.....
۲۵۲	۹. همکاری، همفکری و انجام کار گروهی مشترك.....
۲۵۴	فصل چهارم: قلمروهای وحدت حوزه و دانشگاه.....
۲۵۴	۱. قلمرو معرفتی.....
۲۵۴	۲. قلمرو اجرایی و مدیریتی.....
۲۵۵	۳. قلمرو برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی و پرورشی.....
۲۵۵	۴. قلمرو فرهنگی، اجتماعی و سیاسی.....
۲۵۷	فصل پنجم: رویکردهای وحدت حوزه و دانشگاه.....
۲۵۷	۱. رویکرد اخلاقی عاطفی.....
۲۵۸	۲. رویکرد ساختاری.....
۲۵۹	۳. رویکرد اجتماعی سیاسی.....
۲۵۹	۴. رویکرد معرفتی و باورهای بنیادین.....
۲۶۱	۵. رویکرد ترکیبی.....
۲۶۲	فصل ششم: کامیابی‌ها و ناکامی‌های وحدت.....
۲۶۲	۱. کامیابی‌ها و نتایج وحدت.....
۲۶۴	۲. ناکامی‌ها و عوامل واگرایی بین دو نهاد.....
۲۶۹	فصل هفتم: منشور ارتباطی و تعاملی حوزه و دانشگاه.....
۲۷۵	مأخذشناسی (منابع فارسی).....
۲۸۶	کتابنامه.....

پیشگفتار

«حوزه» و «دانشگاه» مهم‌ترین نهادهای اجتماعی هستند که هریک از آنها و نیز مناسبات بین آن دو نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری و جهت‌دهی به وقایع و تحولات اجتماعی در همه ابعاد آن دارند. این شکل از ساختار این دو نهاد، تنها به کشور ما اختصاص دارد؛ اما با نگاهی دقیق، داستان «نهادهای دوگانه علمی و دینی» را در دیگر کشورهای اسلامی در دو قرن اخیر و بلکه به‌گونه‌ای این دو قطبی بودن را در کشورهای غربی، مسیحی و سایر جوامع دینی می‌توان دید.

تنوع نهادهای علمی بر اساس رشته و موضوع و مأموریت به‌ویژه پس از رشد علوم، آن‌گاه که تفاوت اساسی آنها را در حوزه منابع و روش معرفتی مورد توجه قرار دهیم و اعتماد اصولی حوزه بر منبع معرفت و حیانی و روش‌های خاص آن و استناد دانشگاه به منبع معرفت بشری و روش‌های متناسب با آن را بدانیم، تا حدی طبیعی و پذیرفته است؛ اما دو قطبی‌شدن و تعارض این دو نهاد را باید در رویکردهای ناصواب فلسفه و دیدگاه‌های نادرست معرفت‌شناختی جست؛ زیرا هنگامی که به منابع معرفتی حسی اصالت داده و از ارزش و اعتبار منبع و حیانی و الهی غفلت و مناسبات و دادوستد علوم و معارف الهی و بشری فراموش شود، این تقابل و ناسازگاری رخ می‌دهد.

در تمدن اسلامی به دلیل یکپارچگی معرفتی و حاکمیت روح قدسی بر علوم، دوقطبی شدن علوم و نهاد متکفل آنها کمتر است؛ اما در تمدن جدید غربی، به دلیل همان آسیب معرفت‌شناختی یادشده، شاهد جدایی و ناسازگاری علم و دین و نهادهای متکفل آنها بوده‌ایم و هستیم و همین فرهنگ به جهان اسلام و ایران نیز منتقل و سبب جدایی‌ها و ناهمگرایی‌ها در دو نهاد حوزه و دانشگاه شده است. البته غیر از این عامل مهم و بنیادین در لایه‌های زیرین، عوامل دیگری نیز در لایه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، در این امر نقش داشته‌اند و دارند که باید در مجال دیگری به آن پرداخت.

انقلاب اسلامی در پی بازگشت به اصالت تمدن اسلامی با ملاحظه اقتضائات و شرایط جهان معاصر است و در این مسیر به مقوله «حوزه و دانشگاه» و مناسبات آنها به مثابه موضوعی مهم و راهبردی باید نگریند؛ از این‌رو، این مقوله طی دهه‌های اخیر - چه قبل از پیروزی انقلاب و چه پس از آن - از سوی صاحب‌نظران مورد نازک‌اندیشی‌ها و دقت‌ورزی‌های فراوان قرار گرفته و نظریات و ادبیات گسترده‌ای در این زمینه تولید شده و در عمل نیز در راهبرد وحدت و همگرایی، توفیقات ارزنده‌ای به دست آمده است.

مجموعه حاضر، برگرفته از چند سخنرانی و مقاله ارائه‌شده در باره این مقوله راهبردی و ناظر به شناخت حوزه و دانشگاه و مناسبات آنها است که در طول سال‌های متمادی پدید آمده و اینک به همت جناب آقای علی بخشی تدوین و تحقیق شده است و به اصحاب علم و ارباب نظر تقدیم می‌شود؛ باشد که مورد قبول واقع شود. از ایشان و همه دوستان مؤسسه «اشراق و عرفان» سپاسگزار و چشم به راه راهنمایی خوانندگان ارجمند و امیدوار به تعالی همگرایی دو نهاد فاخر حوزه و دانشگاه در همه ابعاد هستیم.

علیرضا اعرافی

مقدمه

وحدت نخبگان از مهم‌ترین عوامل نشاط، هماهنگی و پویایی جوامع انسانی است و به آرامش، امید، خودباوری و دوراندیشی جامعه می‌انجامد و مایه انگیزش حداکثری و مانع اتلاف و فرسایش نیروها می‌شود. این وحدت، قلمرو گسترده‌ای از دانشمندان، ادیبان، هنرمندان، فن‌آوران، اصحاب رسانه و سیاستمداران را در بر می‌گیرد و برقراری آن در همه عرصه‌ها، حق جامعه‌خواستار پیشرفت است.

وحدت حوزه و دانشگاه، مهم‌ترین و فراگیرترین مصداق وحدت نخبگان در ایران اسلامی است. این دو قشر عظیم، گل سرسبد و اعضای متفکر جامعه‌اند. حوزه و دانشگاه، پایه‌های فکری، سازندگی و تربیتی جامعه را تشکیل می‌دهند. تلاش‌های نظری و عملی برای تحقق این وحدت، از آغاز نهضت اسلامی مردم ایران تاکنون استمرار داشته و این هدف با همه افت و خیزهایش هرگز از نظر حوزویان و دانشگاهیان دور نمانده است.

مروری بر تجارب گذشته و میراث گرانبهای پیشگامان وحدت، ابعاد آن را روشن‌تر می‌سازد و بیانی روزآمد درباره اهداف و روش‌های دستیابی به این هدف راهبردی به دست می‌دهد. همگرایی و همکاری دوسویه حوزه و دانشگاه در

عرصه‌های فرهنگ، سیاست و دانش، دستاوردهای پُربرکت و ارزشمندی داشته است؛ هرچند در دو دهه آغاز برقراری جمهوری اسلامی، بیشتر به حوزه‌های سیاست و فرهنگ معطوف بود و در نهادهای حکومتی تجلی یافت.

عمیق‌ترین لایه وحدت حوزه و دانشگاه، در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب اسلامی مورد توجه نخبگان حوزه و دانشگاه به‌ویژه مورد عنایت و پیگیری مقام معظم رهبری (مدّظله‌العالی) قرار گرفته است؛ از این رو نهضت تولید علم و آزاداندیشی به بنیادی‌ترین سطح وحدت حوزه و دانشگاه نظر دارد و در صورت توفیق می‌توان تحقق عمیق‌تر و پرشتاب‌تر دیگر سطوح آن را نیز انتظار داشت و به وحدت نخبگان در همه گستره‌های آن و در سطحی بالاتر از امروز امیدوار بود. بنابراین، گام‌های نهادینه کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی و تکمیل پروژه وحدت باید برداشته شود.

برای تحقق این وحدت ارزشمند و همه‌جانبه، جمعی از علما و روحانیان از جمله آیت‌الله مرتضی مطهری؛، آیت‌الله بهشتی؛ و آیت‌الله مفتاح؛ سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی با حضور در دانشگاه، زمینه نزدیکی حوزه به دانشگاه را فراهم آوردند و هدف آنان شناخت تازه‌ای از دنیای نو و حوزه‌های جدید و اثرگذاری مثبت و فعّال برای رسیدن این دو مجموعه به یگانگی در اهداف غایی و کلان دینی و ملی بود؛ زیرا حوزه زمانی می‌تواند اثری جدّی در دانشگاه بگذارد که در درون آن رشد کند و آن را به درستی بشناسد.

آن بزرگواران برای این منظور می‌خواستند انگیزه و معرفت دینی را در دانشگاه زنده کنند و این برداشت برای متفکران حوزه و دانشگاه به صورت اصل مسلم درآید که این دو نهاد، بدون همکاری هم قادر به ایفای نقش مناسب در راستای پیشبرد کشور نیستند و تا در فرایند تصمیم‌گیری و عمل اجتماعی به سازگاری نرسند، دستیابی به الگوی پیشرفت شایسته برای جامعه ایران میسر نخواهد شد. با التفات به همین امر مهم بود که حضرت امام خمینی علیه‌السلام در شهریور ۱۳۵۸

راهکار «وحدت حوزه و دانشگاه» را مطرح فرمودند.

ذکر آن لازم است که هرگونه حُسن، طراوت و ژرف‌اندیشی در این اثر، حاکی از عطر معرفت استاد گرانقدر و فرزانه است که با راهنمایی‌های بی‌دریغ و کارساز خویش، راه تحقیق را بر این جانب هموار ساختند.

در این نوشتار؛ مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و آثار استاد علیرضا اعرافی که طی چندین سال در شرایط و با اقتضائات مختلف ایراد گردیده بود، به این صورت جمع‌آوری شد که مباحث استاد در یک جا جمع، تنظیم و تبویب، و مطالب موجز و نیازمند پژوهش در آثار استاد، برای اتقان کار، زیر نظر استاد به این مجموعه افزوده شد.

در این کتاب، پس از آشنایی با مسائل و جنبه‌های مختلف حوزه‌های شیعی و بررسی و واکاوی مباحث دانشگاه، به تبیین مواجهه‌ها، دغدغه‌ها و مباحث مشترک حوزه و دانشگاه (بیشتر علوم انسانی و اجتماعی مدّ نظر است) پرداخته و در پایان، پیوند حوزه و دانشگاه مورد اهتمام، تحلیل و تأکید واقع می‌شود.

در ویرایش جدید کتاب، در بخش اول «تعریف، رسالت و وظایف حوزه» و در بخش دوم، بحث «آسیب‌شناسی دانشگاه» افزوده و در مواردی نیز به منظور فهم بهتر خواننده از مقصود مؤلف، مطالب به لحاظ چینش منطقی پس و پیش شده و توضیح بعضی از اصطلاحات، مراکز و نظریه‌های علمی نیز در پاورقی کتاب آمده است.